پناه پارسی زبانان در کابل

درباره رهنورد زریاب، نویسنده افغانستانی که دیروز در پی ابتلا به کرونا درگذشت

محمدرضا هاشمی: سال‌ها قبل یعنی در دهه هشتاد خورشیدی وقتی منتظر بودم جمعه از راه برسد تا برای شنیدن شعر به جلسه «دُردری» بروم، وقتی در طبقه دوم ساختمانی در «پیچ تلگرد» مشهد پشت به پنجره می‌نشستم، یک تابلوی نقاشی که پرتره مرد آرامی را در خود جای داده بود، مرا محو خود می‌کرد. نمی‌دانستم که این تابلوی نقاشی، پرتره چه کسی است، بعدها فهمیدم نقاش خوش ذوقی «استاد رهنورد زریاب» را کشیده است. گذشت تا اینکه سال ۱۳۹۳ وقتی کارمند یکی از رسانه‌های خصوصی افغانستان در کابل بودم، در کنار همه اتفاقات خوش آن روزها حضور یک مرد آرامش عجیبی به من می‌داد، مردی که همه او را استاد می‌خواندند و احترامش را نگاه می‌داشتند. هر روز حدود ساعت سه به دفتر می‌آمد، بلند سلام می‌کرد و می‌نشست پشت میزش. بچه‌ها یکی یکی خبرهایشان را برای تصحیح خدمت استاد می‌بردند و رهنورد زریابِ بزرگ، با خودکار قرمزی که به دست داشت غلط‌گیری می‌کرد. استاد زریاب آدم صبور و مهربانی بود، در طول مدتی که آنجا بودم، دیدم که بارها یک نکته را برای یک خبرنگار یادآوری می‌کرد تا او یاد بگیرد و آوای یک کلمه را به درستی ادا کند. استاد به خوبی می‌دانست که همین کلمه‌ها دانه به دانه در یاد کودکان افغانستانی که پای تلویزیون می‌نشینند، می‌ماند و آینده زبان فارسی شکل می‌گیرد. به همین خاطر همواره تلاش می‌کرد، خبرنگاران درست بنویسند و درست بخوانند. بهترین ساعات کاری ما دقایقی بود که استاد او میزش بود و تکیه‌گاه دلمان. همین که صدای سلامش را می‌شنیدیم، خودم را می‌رساندم پیشش، سلام می‌کردم، احوالش را می‌پرسیدم و منتظر می‌ماندم چیزی بگوید. در این دیدارها درباره موضوعات مختلفی صحبت می‌کردیم؛ تازه‌های کتاب، نویسندگان و شاعران معاصر افغانستانی و ایرانی و آخرین اخبار فرهنگی ایران را به اطلاع استاد زریاب می‌رساندم. بعضی روزها او از خاطرات خود در سفر به ایران برایم تعریف می‌کرد، او با محمود دولت‌آبادی و هوشنگ ابتهاج رفاقت داشت و چندباری از خاطرات دیدارشان با این دو سرمایه زبان فارسی برایم گفته بود. سال ۲۰۱۵ وقتی جمعیت زیادی از افغانستانی‌ها به سمت اروپا مهاجرت می‌کردند، در یکی از همان روزها که رهنورد زریاب به دفتر کار آمد، به من گفت: میدانی فرق مهاجرت افغانستانی‌ها به ایران و مهاجرت آن‌ها به اروپا چیست؟ او معتقد بود که زبان مشترک ایران و افغانستان یک فرصت فوق‌العاده برای مهاجران است که به این کشور مهاجرت کرده‌اند فراهم کرده، فرصتی که باعث تربیت شاعران و نویسندگان مهاجر افغانستانی در ایران شد، چهره‌هایی که امروز نامشان در آسمان ادبیات معاصر زبان فارسی می‌درخشد، اما ۳۰ سال بعد مهاجران افغانستانی که به اروپا رفته‌اند، از این نعمت محروم خواهند بود، چون زبان جامعه میزبان آن‌ها فارسی نیست. استاد زریاب در سال‌های آخر زندگی در افغانستان ماند، هرچند که فرصت مهاجرت و زندگی در اروپا برایش فراهم بود، اما ترجیح داد که در کابل بماند و به جوانان افغانستانی این فرصت را بدهد تا از حضورش بیاموزند. او حضورش برای فارسی زبانان افغانستان یک تکیه‌گاه بزرگ بود، که دل آن‌ها را در برابر بی‌توجهی‌ها به زبان فارسی گرم می‌کرد.

انتشار دومین فراخوان آذین‌بندی «مشهد ۱۴۰۰»

دومین فراخوان آذین‌بندی جشنواره خانه بهار مشهد ۱۴۰۰، با سه رویکرد هویت، دستاورد و نگاه به آینده منتشر شد. به گزارش اداره هنری سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد به نقل از خبرنگار ما، برای بهره‌گیری از ظرفیت هنرمندان در زیباسازی و ارائه طرح‌های خلاقانه هنر شهری در آستانه سال نو، شهرداری مشهد، دومین فراخوان بخش آذین‌بندی جشنواره هنرهای شهری خانه بهار «مشهد ۱۴۰۰» را منتشر کرده است. فراخوان دوم، شامل آرایه‌های قابل پیوست بر سازه‌های شهری و نگاره‌هایی است که بتواند فضای شهری را متناسب با نشاط بهارانه و اعیاد شعبانیه آراسته کند. در جزئیات دومین فراخوان جشنواره خانه بهار مشهد ۱۴۰۰، موضوعات شامل نوروز، طبیعت، موسم بهاری و فهرست فضاهای شهری مناسب برای آذین‌بندی همچون آویزهای ستونی، عرشه پل‌های هوایی عابر پیاده، گارد ریل‌ها و میادین و ... در کنار شرایط شرکت در این فراخوان اعلام شده است. علاقه‌مندان برای آگاهی بیشتر می‌توانند از طریق آدرس artmashhadevent.ir اطلاعات کسب کنند.

«رادیو هفت» با یلدا می‌آید

برنامه پرطرفدار «رادیو هفت» در یلدای امسال از رسانه ملی پخش خواهد شد. منصور ضابطیان مجری این برنامه، این خبر را در صفحه شخصی خود در اینستاگرام منتشر کرده و نوشته است: «نزدیک به شش سال از آخرین شبی که در استودیوی پخش آموزش «رادیو هفت» را با شما قسمت کردیم می‌گذرد. حالا ما دوباره به خانه برمی‌گردیم تا گل نسرین بچینیم.» نویسنده «چای نعنا» از تغییر در شکل و ساختار این برنامه به دلیل شرایط دشوار تولید در روزهای کرونایی گفته و اعلام کرده است که همچنان در پی آن هستند که با شعر و قصه و موسیقی سالم برنامه را اجرا کنند. رادیو هفت، ۱۱۱۷ روز روی آنتن شبکه آموزش پخش می‌شد و از جمله برنامه‌های آموزشی و پرطرفدار سیما بود که به دلیل به موافقت نرسیدن تهیه کنندگان برنامه برای تغییر نحوه پخش آن، متوقف شد.

مجیدی در چین فیلم می‌سازد

مجید مجیدی فیلمی درباره همه‌گیری ویروس کرونا در چین می‌سازد. به گزارش ایسنا، مجیدی که هم‌اکنون برای برگزاری یک مستر کلاس در سومین جشنواره فیلم هانیان چین در این کشور به سر می‌برد در گفت‌وگویی با شبکه تلویزیونی دولتی CGTN اعلام کرد فیلم بعدی خود را در کشور چین و با بازیگران چینی خواهد ساخت که روایتگر داستان دختربچه‌ای در بحبوحه بحران کرونا در این کشور است. این کارگردان قرار است پس از پایان جشنواره هانیان، برای پیدا کردن لوکیشن فیلم جدیدش به استان یونان در جنوب غربی چین سفر کند. او پیش‌تر نیز سفری به شهر هانگژو در شرق چین داشته است. فیلم «خورشید» جدیدترین ساخته مجید مجیدی است که نماینده سینمای ایران در شاخه بهترین فیلم بین‌المللی نود و سومین دوره جوایز سینمایی اسکار در سال ۲۰۲۱ است.

فیلم «هنر بودن در دنیای نبودن» ساخته سهیل سهیلی فیلم‌ساز جوان مشهدی جایزه اول جشنواره megacities shortdoc فرانسه را دریافت کرد. سهیلی تجربه بازیگری در تئاتر را در کارنامه دارد. او پارسال نیز نمایش «منطقه حفاظت شده» به نویسندگی شادی غفوریان و کارگردانی خودش را روی صحنه برده بود.

شهرآرا
روزنامه شهروند امید زندگی
SHAHRARANEWS.IR
شنبه
۲۲ آذر ۱۳۹۹
۲۶ ربیع‌الثانی ۱۴۴۲
شماره ۳۲۷۲
۱۰
فرهنگ و هنر

«گلستان» گلستان می‌شود؟

روایت این روزهای گذر فرهنگی مشهد که بیش از ۵۰۰ روز در سکوت و سکون است

گزارش روز

کوچک‌زاده - شاهیان

پرونده «بازار کتاب گلستان» در آذر ۱۳۹۹ پس از حدود ۵۰۰ روز سکوت و سکون، دوباره به جریان افتاده است. لودرها و بولدوز به بازار آمده‌اند و غرفه‌های بازار از سمت خیابان دانشگاه تا رسیدن به حوض آخر، تخریب شده است. این اولین بار در عمر این گذر فرهنگی است که پس از خبرهای بسیار از خطر نشست زمین و ناامن بودن ساختار غرفه‌ها، رنگ تخریب می‌بیند. عنوان پروژه «مرمت مسیل قره‌خان» ذکر شده است. رئیس اداره سرمایه‌گذاری‌های نوین معاونت اقتصادی و مشارکت‌های شهرداری مشهد به شهرآرا گفته است که بهسازی زیرسطحی گذر فرهنگی گلستان از چند ماه پیش شروع شده و به پایان رسیده و هم‌اکنون عملیات بهسازی روسطحی در حال انجام است. مهدی نعمتی خیرآبادی همچنین از پایان بهسازی‌ها تا پایان امسال خبر داده است. روزنامه شهرآرا در سال‌های مختلف، پابه‌پای تغییرات بازار، گزارش‌های مختلفی تهیه کرده است. از نشست زمین و استحکام‌نداشتن زیربنای بازار تا انتقاد به تغییرات مدیریتی که هیچ‌گاه اجازه نداد این گذر فرهنگی باتوجه به شرایط خوب مکانی آن، رونق بگیرد و به محلی شناخته‌شده بین کتاب‌دوستان تبدیل شود. حال در گزارش پیش رو با نگاهی به گذشته، از این روزهای بازار کتاب گلستان که امید می‌رود به گلستان واقعی کتاب و فرهنگ تبدیل شود، نوشته‌ایم.

مرکز فراغتی و فرهنگی

با تخریب‌های وسیع این روزهای بازار گلستان، به نظر می‌رسد اتفاق‌های مهمی برای آینده آن در راه است. گرچه هنوز جزئیات و کاربری دقیقش مشخص نیست. البته سال گذشته رئیس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای اسلامی شهر مشهد در این باره گفته بود با مشارکت سرمایه‌گذار، بازار کتاب گلستان مشهد مقاوم‌سازی می‌شود و تلاش بر این است که در حوزه فرهنگی، سرمایه جذب و فرصت بهره‌مندی مادی سرمایه‌گذار را نیز فراهم شود تا در نهایت، راسته کتاب مشهد به مراکز فراغتی-فرهنگی با محوریت کتاب تبدیل شود. رمضانعلی فیضی، نایب رئیس کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی شهر مشهد هم‌امسال هم‌زمان با خبر شروع پروژه مطالعه پروژه باغ کتاب در بوستان وفای مشهد، گفته بود که ایمن‌سازی و مقاوم‌سازی گذر گلستان باید تا پایان امسال به پایان برسد و با همین کاربری ادامه فعالیت داشته باشد.

تأکید شهردار بر حفظ هویت فرهنگی بازار

گذر فرهنگی گلستان در سال‌های نه‌چندان دور، مکانی تجاری برای بانوان سرپرست خانوار به نام «بازار خاتون» بود که بعد از بازسازی کوچکی به «بازارچه کتاب گلستان» تبدیل شد و از آن زمان، مدیریت‌های گوناگونی از جمله سازمان میادین شهرداری مشهد، تعاونی ناشران استان خراسان رضوی و معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد را به خود دیده است. اما مهم‌ترین تغییر بازار خرداد ۹۸ و تخلیه اجباری کتاب‌فروشی‌ها به دلیل نشست زمین بود، که شهرآرا در این باره هم گزارشی تهیه کرد. کتاب‌فروشان تصور نمی‌کردند بازسازی بازار، موجب وقفه‌ای طولانی در کارشان شود. طوری که بسیاری از آن‌ها پس از تخلیه، مجبور به تغییر شغل خود شدند و از این اوضاع آسیب دیدند. شهردار مشهد همان زمان بر حفظ هویت فرهنگی بازار کتاب گلستان تأکید کرده و معاونت اقتصادی شهرداری مشهد هم بیان کرده بود شهرداری در این طرح به دنبال سود اقتصادی نیست. بلکه در کنار توسعه فرهنگی این مکان، به بحث مقاوم‌سازی بازار برای حفظ جان شهروندان و کسبه خواهد پرداخت.

کاربری فرهنگی‌اش حفظ شود

چراغ غرفه‌های این بازار به جز دو غرفه کافه کتاب آفتاب و کافه زبان در آن ۵۰۰ روز، خاموش بود. مهسا خزانه‌دار، مدیر کافه زبان که البته این غرفه هم هم‌اکنون تخریب شده است، به شهرآرا می‌گوید: بزرگ‌ترین مشکل این بازار، نداشتن مسئول مشخص است. یک‌بار سازمان فرهنگی شهرداری متولی می‌شود و یک بار سازمان اقتصادی. هم‌اکنون نیز مشخص نیست ما نمی‌دانیم کدام سازمان، متولی بازسازی اینجاست. طبیعی است وقتی مرکزی، مسئول واحد نداشته باشد تصمیم‌گیری‌ها درباره آن کوتاه مدت می‌شود و از همه مهم‌تر عمر طولانی نخواهد داشت. کسب‌وکارها نیز نمی‌توانند برای بودن در این فضا، سرمایه‌گذاری کنند. او می‌گوید: در یکی، دو سال اخیر از سوی شهرداری در بازار گلستان رفت‌وآمد بوده و حتی بعضی کارها با شرکت‌های مختلف انجام شده، اما در نهایت چیزی که ما متوجه شدیم اکنون قصد دارند بازسازی اینجا را شروع کنند. به گفته خزانه‌دار که بیشتر از دو سال در بازار کتاب فعالیت می‌کند: این بازار مشاغل مختلفی را تجربه کرده است. مردم خاطره خوشی از این بازار دارند وقتی با مشتریان صحبت می‌کنیم به اسم بازار خاتون از اینجا یاد می‌کنند. همه دوست دارند این گذرگاه به خاطر دنج بودن و صمیمیتی که دارد حفظ شود و به نظرم می‌رسد تنها چیزی که می‌تواند در این شرایط کمک کند حفظ کاربری فرهنگی‌اش است زیرا به خاطر موقعیت مکانی‌اش و با توجه به مراکز فرهنگی متنوعی که دوروبرش است مثل کانون زبان ایران، جهاد دانشگاهی، سینما و کتاب‌فروشی‌ها و البته تاریخچه‌اش بهتر است کاربری‌اش فرهنگی باقی بماند.

بهره‌برداری قبل از ۱۴۰۰

اما رئیس اداره سرمایه‌گذاری‌های نوین معاونت اقتصادی و مشارکت‌های شهرداری مشهد درباره شرایط فعلی بازار به شهرآرا می‌گوید: بهسازی گذر فرهنگی گلستان که ترجیح می‌دهیم درباره آن از کلمه فرهنگی استفاده کنیم و کتاب را به عنوان عنصر کلیدی در نظر بگیریم، از چند ماه قبل به صورت زیرسطحی از سوی شهرداری مشهد شروع شده و به پایان هم رسیده است. آنچه امروز ملاحظه می‌کنید، عملیات بهسازی روسطحی گذر است که باز هم از سوی شهرداری انجام می‌شود. مهدی نعمتی خیرآبادی تأکید می‌کند که انجام عملیات عمرانی اصلاحی چه در زیر سطح که شامل ترمیم کانال عبور آب بوده و روی سطح که تخریب ابنیه غیرمقاوم و مقاوم‌سازی ابنیه حفظ و نگهداری می‌شود، نیازمند انجام مطالعات و تهیه اسناد، هماهنگی بین‌بخشی و تأمین اعتبار بوده است و اجرای آن زمان خاص خودش را می‌طلبیده است. او با بیان اینکه تمام این عملیات از سوی بخش‌های مختلف سازمان شهرداری و با هماهنگی کامل در حال انجام است، می‌گوید: زمان پایان کار انتهای سال ۱۳۹۹ در نظر گرفته شده است و امیدواریم که قبل از آغاز سال ۱۴۰۰ پروژه به بهره‌برداری برسد.

عکس: محسن بخشنده | شهرآرا

شروع بازبینی آثار سی‌امین جشنواره تئاتر استان

اعضای هیئت انتخاب آثار رسیده به سی‌امین جشنواره تئاتر خراسان رضوی معرفی شدند. سید جواد اشکذری، منتقد، نویسنده و کارگردان و محمد حسن‌زاده، کارگردان و سید محمد مداح حسینی، منتقد، پژوهشگر و استاد دانشگاه اعضای هیئت انتخاب هستند. سید جواد اشکذری یکی از بازبین‌های این دوره از جشنواره گفت: امسال به خاطر شیوع ویروس کرونا و تعطیلی اجراهای عمومی، امکان بازبینی زنده آثار وجود ندارد و آثار به صورت ضبط شده در روزهای شنبه و یکشنبه از سوی داوران بازبینی می‌شود. او با بیان اینکه تعداد آثار رسیده به جشنواره به دلیل همه‌گیری ویروس کرونا، در مقایسه با سال‌های گذشته کاهش داشته است، گفت: ۳۴ اثر به جشنواره رسیده که از این میان، ۱۰ اثر از شهرستان‌ها و ۲۴ اثر از مشهد است. به گفته عضو هیئت انتخاب سی‌امین جشنوار تئاتر خراسان رضوی اواسط هفته جاری نتایج نهایی سی‌امین جشنواره تئاتر خراسان رضوی اعلام خواهد شد. جشنواره تئاتر استان‌ها که قدمت سی ساله دارد، از هفدهمین دوره و پس از تفکیک استان‌ها، در استان‌های خراسان به صورت جداگانه برگزار می‌شود و با توجه به کیفیت آثار تولیدی معمولا خراسان رضوی هر سال یک اثر در میان آثار جشنواره فجر دارد.

بازگشت متفاوت «حسینی» به خانه اول

نگاهی به نخستین قسمت از برنامه «همرفیق» که با اجرای شهاب حسینی و حضور نوید محمدزاده منتشر شد

جستار

محمد عنبرسوز

پس از مدت‌ها انتظار، یکی از مهم‌ترین برنامه‌های اینترنتی گفت‌وگومحور در سال‌های اخیر، بالأخره به پخش رسید و نخستین قسمت «همرفیق»، با اجرای شهاب حسینی، منتشر شد. سازندگان این برنامه یک اتفاق ویژه را برای نخستین قسمت کار در نظر گرفته بودند و میزبانی شهاب حسینی از نوید محمدزاده، در همان نخستین ساعات پخش برنامه، حسابی مورد توجه مردم قرار گرفت. «همرفیق» که با حضور مردم ضبط شده بود، با فاصله‌گذاری حضار و استفاده از ماسک‌هایی با نشان برنامه، در مورد مسئله کرونا حساس نشان می‌داد؛ اما خود مجری و مهمان‌هایش، با رعایت نکردن شیوه‌نامه‌های بهداشتی، موجب تعجب بینندگان شدند. در این مطلب نگاهی داریم به کیفیت اولین قسمت از این برنامه جدید و امتحان پس نداده شبکه خانگی.

وزنه شهاب حسینی

تجربه اجرای برنامه‌های گفت‌وگو محور در ایران در یک دهه اخیر، نشان داده است که بخش عمده‌ای از موفقیت یک برنامه به دعوت از مهمانان سرشناس و محبوبی بازمی‌گردد که کمتر در برنامه‌های مختلف حاضر می‌شوند؛ به‌طبع حضور مهمانانی از این دست نیز مرهون میزبان برنامه یا همان مجری است. موفق‌ترین تاک‌شوهای تلویزیونی دهه نود ایران را رامبد جوان و مهران مدیری، به عنوان دو چهره موجه که روابط قوی و اعتبار زیادی در بین سلبریتی‌ها دارند، میزبانی کرده‌اند. این در حالی است که فریدون جیرانی هم با حضور در دو برنامه اینترنتی گفت‌وگومحور در حوزه تخصصی سینما، نشان داد حضور یک کارگردان باسابقه و مورد احترام در مقام مجری، می‌تواند ترکیب مهمانانی که برای حضور در برنامه‌های «سی‌وپنج» و «کافه آپارات» جواب مثبت می‌دهند را چندین پله ارتقا دهد. برای جدی‌ترین تجربه شبکه خانگی در عرصه تولید برنامه‌های گفت‌وگو محور، همان‌طور که انتظار می‌رفت، یک چهره بسیار محبوب در سطح اول سینما لازم بود تا بتواند مهمانان سرشناس را برای حضور در برنامه و مردم را برای دنبال کردن آن قانع کند. بدین ترتیب، شهاب حسینی که نخستین بار بیش از دو دهه قبل، با اجرای برنامه «اکسیژن» به قاب تصویر راه یافته و مسیر خود را تا بالاترین سطح سینمای ایران و کسب جایزه بازیگری جشنواره کن هموار کرده بود، اجرای «همرفیق» را بر عهده گرفت و این بار در اوج شهرت به عرصه اجرا بازگشت. رویکرد «همرفیق» هنری و اجتماعی است؛ به تعبیر دقیق‌تر، گفت‌وگوهای اجتماعی با هنرمندان شاکله اصلی این برنامه را تشکیل می‌دهد. شهاب حسینی، با رویکردی آرام و به دور از چالش، گفت‌وگوهایی دوستانه را، با محوریت مضامین انسانی، اخلاقی، اجتماعی و... پیش می‌برد و در این میان بیش از هر چیز بر مفهوم رفاقت تأکید دارد.

ساختار فرمی و محتوایی

«همرفیق» نه یک برنامه هنری تخصصی است، نه مثل «خندوانه»، «دورهمی» و «امشو» قصد سرگرمی ایجاد کردن دارد و نه حتی به سبک برخی برنامه‌های زرد، در لایه‌های درونی و خصوصی زندگی و شخصیت مهمانانش کنکاش می‌کند. این برنامه، چنان که شهاب حسینی هم در ابتدای قسمت اول تصریح کرد، به دنبال این است که با توجه به شرایط خاص کنونی و شیوع ویروس کرونا، فضایی آرام را با تأکید بر اخلاقیات و مسائل انسانی، ایجاد کند تا به سهم خود، از غم مردم و تلخی‌های فضای موجود بکاهد. با توجه به این رویکرد و البته سختگیری‌های تلویزیون در زمینه موسیقی، طبیعی است که یکی از شاخصه‌های اصلی ساختار «همرفیق» را موسیقی تشکیل دهد. قسمت اول این برنامه، با اجرای یک آهنگ از گروه بمرانی آغاز شد که کاملا حال و هوای یک اجرای کنسرتی را داشت و اعضای این گروه موسیقی از سوی حاضران در سالن همراهی می‌شدند. در ادامه نیز، گروه بمرانی حتی در زمان دعوت از مهمانان هم قطعه‌های با کلام اجرا می‌کردند و در بخش دیگری از برنامه نیز، با باز شدن یک پرده، نوازنده دیگری به اجرای یک قطعه کمانچه (ساز مورد علاقه مهمان برنامه) پرداخت. دکور «همرفیق» دیگر شاخصه مهم این برنامه بود که در قسمت اول از آن رونمایی شد و همان‌طور که انتظار هم می‌رفت، هم از نظر نمای شب شهر در پشت تصویر و هم از نظر چینش عناصر صحنه گفت‌وگو، شباهت بسیار زیادی به دکور یکی از محبوب‌ترین برنامه‌های تلویزیونی جهان با اجرای جیمی کیمل داشت که اتفاقا شباهتی هم در چهره این مجری مراسم اسکار با چهره شهاب حسینی وجود دارد. در مجموع، دکور برنامه «همرفیق» آبرومند بود و حتی بیراه نیست اگر آن را یک درجه زیباتر از دکور برنامه‌های دیگر بدانیم. ساختار محتوایی این برنامه، با توجه به هدف‌گذاری‌های سازندگانش، آرام و به دور از هر گونه چالشی، طراحی شده است. مهم‌ترین ویژگی ساختاری محتوای «همرفیق» دعوت شهاب حسینی از یک مهمان و دعوت آن مهمان از بهترین دوست خود است که در قسمت اول، با دعوت نوید محمدزاده (مهمان برنامه) از وحید جلیلوند (دوست نوید و کارگردان شناخته شده فیلم «بدون تاریخ، بدون امضا») مخاطبان «همرفیق» را حسابی سر ذوق آورد. اما بزرگ‌ترین آسیبی که رویکرد آرام و موقر «همرفیق» به دنبال داشته، افت شدید ریتم گفت‌وگوهای این برنامه و تبدیل شدن آن به یک همنشینی به شدت بی‌اتفاق بوده است؛ رویکردی که شاید اگر به جای این ستاره‌های بسیار محبوب افراد دیگری آن را دنبال می‌کردند، می‌توانست حوصله مخاطب را سر ببرد. شهاب حسینی در مقام مجری، آگاهانه و تعمدا ترجیح داده که نقش یک میزبان را ایفا کند و بیشتر یک همراه و همنشین خوب باشد تا یک مجری پرسشگر. او با آرامشی که از شخصیتش سراغ داریم، تقریبا هیچ دخالتی در ریتم گفت‌وگو نمی‌کند و معمولا، با یک طرح موضوع ساده، اجازه می‌دهد مهمان برنامه هرقدر که دوست دارد، درباره هر موضوعی که می‌خواهد، صحبت کند. در حالی که تجربه نشان داده مخاطب ایرانی به گفت‌وگوی سخت و چالشی (هاردتاک) بیشتر علاقه داد، این نحوه هدایت گفت‌وگو از سوی شهاب حسینی، ریتم «همرفیق» را به شدت کند کرده و از قسمت اول این برنامه، مجموعه مطولی از تعارفات و حرف‌های کلی درباره فضایلی همچون مهربانی، احترام، خوش‌بین بودن، دوستی، تکریم خانواده و... ساخته بود؛ به نحوی که تقریبا یک ربع اول گفت‌وگو به تعارفات روزمره اختصاص یافت و در ادامه نیز، بحث دو تن از بهترین بازیگران دو دهه اخیر سینمای ایران و یک کارگردان کاربلد، به ندرت به سینما مرتبط شد. لزوم تزریق تنوع به این رویکرد، در همین قسمت اول، کاملا احساس می‌شد؛ تنوعی که ایجاد شدنش به چیزی بیشتر از نمایش چند ویدئوی ارسال شده از سوی مردم نیاز دارد. مردم امیدوارند «همرفیق» با شهاب حسینی به تجربه موفقی تبدیل شود؛ اما محتمل است که اگر پس از چند قسمت، جذابیت شخصیت شهاب حسینی برای مخاطب عادی شود و یا چهره‌ای با محبوبیت نوید محمدزاده مهمان برنامه نباشد، «همرفیق» با ریزش مخاطبان روبه‌رو شود.